

فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال دوازدهم، شماره چهارم (پیاپی ۴۶)، زمستان ۱۴۰۲

شاپای چاپی ۲۳۲۲-۲۱۳۱ شاپای الکترونیکی ۴۷۶X-۲۵۸۸

<http://serd.khu.ac.ir>

صفحات ۲۰-۱

مقاله پژوهشی

مدل سازی عوامل نهادی مؤثر بر توسعه کار آفرینی (مورد مطالعه: ناحیه روستایی نسا در شهرستان کرج)

جواد زحمت‌کش ممتاز؛ دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.
حسن افراخته*؛ استاد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.
وحید ریاحی؛ دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.
مجتبی قدیری معصوم؛ استاد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۰۹/۰۵

دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۵/۱۲

چکیده

هدف این پژوهش، شناسایی متغیرهای نهادی مؤثر بر کارآفرینی ناحیه روستایی نسا در شهرستان کرج است. این پژوهش براساس هدف، بنیادی - کاربردی و بر اساس روش گردآوری داده‌ها توصیفی-پیمایشی است. ابزار گردآوری اطلاعات در این پژوهش، پرسشنامه است. جامعه آماری پژوهش ساکنان دهستان نسا است. حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران به تعداد $n=216$ محاسبه شده است و توزیع آن در میان روستاها بر اساس انتساب متناسب با تعداد خانوارها در هر روستا بود و نمونه‌گیری نیز با روش تصادفی ساده انجام شد. در این پژوهش از تکنیک آماری تحلیل عاملی تاییدی به منظور بررسی روایی پرسشنامه با استفاده از شاخص‌های بار عاملی و میانگین واریانس استخراج شده (AVE) استفاده شد و پایایی پرسشنامه با روش آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی مورد ارزیابی قرار گرفت. در این پژوهش از تکنیک آماری مدل سازی معادلات ساختاری برای آزمون مدل مفهومی استفاده شد و رابطه متغیرها با آزمون همبستگی پیرسون سنجیده شد. یافته‌های پژوهش در خصوص وضعیت کارآفرینی نشان می‌دهد، خوداشتغالی با رویکرد کسب و کارهای خرد خانوادگی و عمدتاً فاقد نوآوری، فعالیت غالب کارآفرینی در محدوده مورد مطالعه بوده است. نتایج مدل مفهومی پژوهش، نشان از تاثیر قوی عوامل نهادی بر کارآفرینی روستایی داشت ($p < 0.01$). ضریب استاندارد یا شدت تاثیر برابر با ۰/۷۱ بود. بر این اساس مشخص شد، عوامل نهادی دارای تاثیر معنی‌داری بر کارآفرینی روستایی است. نتایج پژوهش نشان داد که جهت تاثیر عوامل نهادی بر کارآفرینی روستایی مثبت است و بیانگر این است که افزایش و ارتقاء عوامل نهادی با بهبود کارآفرینی روستایی همراه است.

واژگان کلیدی: متغیرهای نهادی، کارآفرینی، ناحیه روستایی نسا، شهرستان کرج.

* afrakhteh@khu.ac.ir

(۱) مقدمه

در دو دهه گذشته مفهوم کارآفرینی روستایی، با تحولات بنیادین و روش شناختی روبرو بوده است. این مفهوم که برای اولین بار توسط ورتمن^۱ با عنوان "کارآفرینی روستایی: ادغام در زمینه کارآفرینی (۱۹۹۰)" انجام شده است، نشان می‌دهد که اکثر محققین در تعریف کارآفرینی روستایی، به تصویر کلیشه‌ای یک کارآفرین و تعیین استقلال، ریسک‌پذیری، تمرکز بر موفقیت، اعتماد به نفس، تلاش، نوآوری و سایر ویژگی‌ها تاکید نموده و از آن به عنوان فرآیند ایجاد شغل و امکان سرمایه‌گذاری‌های جدید تعریف می‌نمایند (Wortman, 1990). این تعاریف با توجه به موانع و کمبودهای مختلف در فرایند کارآفرینی روستایی از جمله کمبود زیرساخت‌های ارتباطی و دانش نسبتاً ضعیف (Pallares-Barbera et al., 2004) ارتباطات خارجی کند و پرهزینه (Kalantaridis and Bika, 2006)، دسترسی محدود به حمایت‌های قانونی و دولتی (McElwee and Annibal, 2010)، دسترسی محدود به سرمایه مالی و انسانی (Worthman, 1990)، و بازارهای نسبتاً کوچک و محدود (Kalantaridis and Bika, 2011)، نتوانست با توجه به ساختار محلی و بومی مناطق روستایی منجر به آرایه یک تعریف جامع و پویا از کارآفرینی روستایی شود و بسیاری از مزایا و ویژگی‌های مثبت کارآفرینان روستایی از جمله ثبات و وفاداری بیشتر کارکنان (Pallares-Barbera et al., 2004)، هزینه‌های نیروی کار کمتر (Keeble and Tyler, 1995)، دسترسی مناسب به زمین (Pallares-Barbera et al., 2004)، به دست آوردن مزیت‌های رقابتی از طریق شرایط زندگی با امکانات رفاهی بالا و در دسترس بودن بازارهای نوظهور یا خاص (Macchery and Pelsoni, 2006) را نادیده گرفته است. این مساله بخصوص با توجه به مشکلات اقتصادی و اجتماعی نواحی روستایی از جمله مهاجرت‌های گسترده فقرای روستایی به مناطق شهری، ضرورت توجه به رویکردهای محلی و منطقه‌ای را در تعریف کارآفرینی روستایی اجتناب‌ناپذیر نموده است. زیرا موضوعات کاملاً بخشی (اقتصادی کلان) که بر مبنای مدل‌های اقتصادسنجی انجام شده است، نتوانسته است زمینه‌ساز توسعه اقتصادی و اجتماعی مناطق روستایی را فراهم آورد. بر این اساس توجه به رویکردهای منطقه‌ای، افشای منابع قلمرو و شناسایی ویژگی‌های کارآفرینان روستایی از جمله فعالیت‌های بازیگران محلی، رفتار کارآفرینانه محلی، ریشه‌های کارآفرینان روستایی و ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و روانی-اجتماعی آنها می‌تواند نقش پررنگ و معناداری در توسعه کارآفرینی در مناطق روستایی داشته باشد (Dennis 2006; Newmeyer 2012). بنابراین، "کارآفرینی روستایی" به عنوان فعالیت کارآفرینانه‌ای که با بافت فضایی خود درگیر است و از طریق استفاده از منابع در بافت فضایی خود تعبیه می‌شود، مفهوم‌سازی می‌شود. بر این اساس تعریف کارآفرینی به عنوان یک کارکرد، شامل ترکیبات جدیدی از منابع روستایی مبتنی بر مکان یا محلی است که نه تنها برای کارآفرین، بلکه برای مکان روستایی نیز ارزش ایجاد می‌کند و نمی‌تواند بدون از دست دادن تمام یا بخشی از ارزش کلیدی خود به دلیل درگیری صمیمی آن با مکان، در جای دیگری قرار گیرد (Mueller and Korsgaard, 2014).

بنابراین، توجه به نقش مهم و کلیدی مکان در توسعه اقتصادهای محلی می‌تواند منجر به ایجاد و گسترش بنگاه‌های کوچک اقتصادی در مناطق روستایی شده و زمینه‌ساز شکوفایی اقتصادی مناطق روستایی را فراهم آورد (McEchery and Pelsoni, 2006). در این شرایط نوع فعالیت، تداوم استقرار و کیفیت اثر گذاری این بنگاه‌های کوچک اقتصادی حاصل دو رویکرد اساسی است. در رویکرد اول این بنگاه‌ها در اقتصاد محلی تعبیه شده‌اند و اگر بستر نهادی جهت توسعه فعالیت‌های کارآفرینانه مهیا شود و از حقوق مالکیت کارا حمایت کند، منجر به

کارآفرینی مولد و شکوفایی اقتصادی مناطق روستایی می‌شوند و در رویکرد دوم این بنگاه‌ها فقط در فضای روستایی قرار دارند و صرفاً از منابع روستا استفاده کرده و سودی به مردم محلی نمی‌رسانند. این شرایط منجر به از هم گسیختگی اقتصاد مناطق روستایی شده و جریان‌های محلی مواد و سرمایه را کم اهمیت ساخته و منجر به بهره‌برداری غیر عقلایی از منابع روستایی می‌شود (Korsgaard et al., 2015).

مسئله این امر باعث ناامنی حقوق مالکیت در مناطق روستایی می‌شود (رضاقلی، ۱۳۹۸). زیرا نقش مردم محلی در سازماندهی فعالیت‌های کارآفرینانه نادیده گرفته شده است و سرمایه‌گذاری‌های انجام شده توسط کارآفرینان ارتباط مستقیمی با رفاه و توسعه روستایی نخواهد داشت و به علت استفاده ارزان از زمین و منابع روستا (Korsgaard et al., 2015) غارت منابع روستایی شدت بیشتری خواهد گرفت. در این فرایند تقسیم کار و تخصص‌گرایی مفهومی نخواهد داشت و باعث از بین رفتن سنتها و ارزش‌های محلی که در قالب تجارب زیسته و یادگیری‌ها و تجارب بین نسلی ایجاد شده است، می‌شود. بر این اساس نقش دولت و نظام قضایی جهت حمایت از جامعه محلی روستایی حائز اهمیت است. زیرا به عنوان شخص بی طرف می‌تواند بر اجرای قراردادهای حوزه کسب و کار روستایی نظارت کند. اگر بی طرفی دولت و نظام قضایی در اجرای قرارداد تضمین نشود، این امر باعث افزایش هزینه مبادله‌داری‌ها شده و حقوق مالکیت را ناکارآمد می‌کند (رضاقلی، ۱۳۹۸). بنابراین محققان توسعه روستایی به خطر جوامع دولایه‌ای اشاره کرده‌اند که اگر فضاهای روستایی توسط فعالیت‌های کارآفرینانه غیرمولدی که در جوامع محلی جاسازی نشده‌اند، تسخیر شود، با طرد اجتماعی مردم بومی روستایی و طبقات پایین جامعه مشخص می‌شود (Korsgaard et al., 2015).

براین اساس می‌توان گفت کیفیت بستر نهادی در شکل‌گیری فعالیت‌های کارآفرینانه مولد و غیر مولد در مناطق روستایی بسیار تاثیرگذار است و اگر هدف، ایجاد فعالیت‌های کارآفرینانه مولد است، باید کیفیت نهادها بهبود یابد. نتایج بررسی‌های انجام‌شده توسط "داگلاس نورث" (۲۰۰۵، ۱۹۹۷، ۱۹۹۴، ۱۹۹۰) و "ویلیام بامول" (۲۰۰۳، ۱۹۹۳، ۱۹۹۰) نشان داده است که بین محیط نهادی و توسعه کارآفرینی رابطه مستقیم وجود دارد. براساس نظر نورث (۱۹۹۰) نهادها، قواعد بازی در جامعه هستند. اگر قواعد بازی از طریق فعالیت‌های غیرسازنده امکان پذیر شود، طبیعی است که کارآفرینان انگیزه کمتری برای ورود به فعالیت‌های تولیدی خواهند داشت. بر این اساس، بامول (۱۹۹۰) کارآفرینی را به سه نوع مولد، غیرمولد و مخرب تقسیم می‌کند. نهادهای ضعیف رسمی و غیر رسمی رفتارهای فرصت‌طلبانه را تقویت خواهند کرد. از آنجا که فقدان قواعد روشن بازی و عدم اطمینان، این انگیزه را برای مردم ایجاد خواهد کرد که از تمام فرصت‌ها به نفع خود استفاده کنند، در چنین محیط نهادی، جستجوی رانت و فساد (کارآفرینی بی‌حاصل و مخرب) فعالیت‌های اقتصادی غیر مولد را رونق خواهد داد (samadi., 2019). در همین راستا نورث معتقد است که نهادهایی که حقوق مالکیت را تعریف و اجرا می‌کنند بر عملکرد اقتصادی تأثیر می‌گذارند و منجر به تقویت بازارها شده و تجارت و سرمایه‌گذاری در تولید و روش‌های سازمانی جدید را تشویق می‌کند. زیرا هزینه‌های مبادله و عدم اطمینان ناشی از مبادله را کاهش می‌دهند (North, 1990).

بررسی‌های انجام شده در خصوص نقش نهادها در توسعه کارآفرینی مناطق روستایی به صورت مشخص نشان می‌دهد که کارآفرینی در این مناطق فرصت‌ها و انگیزه‌های خاصی را برای انجام انواع مختلف تولید ارائه می‌نماید (Korsgaard et al., 2015). با این حال، شرایط اجتماعی-اقتصادی و نهادی که در آن فعالیت کارآفرینی در این

مناطق انجام می‌شود با مناطق شهری متفاوت است. به این ترتیب، کروگمن و ونبلز (۱۹۹۵) بر اهمیت حکمرانی برای غلبه بر کمبودهای اجتماعی- فضایی ذاتی در کارآفرینی روستایی تأکید نموده و معتقدند شکست فعالیت‌های کارآفرینی در مناطق روستایی ناشی از سیاست‌های سنتی دولت در بسیاری از کشورهای جهان است. به طور کلی، همه اشکال کارآفرینی دارای بعد مکانی هستند و در مکان‌هایی با قوی‌ترین انگیزه‌های اقتصادی در رابطه با زمین، نیروی کار، زیرساخت‌ها و سایر جنبه‌های اجتماعی و اقتصادی واقع می‌شوند.

پژوهش حاضر بر آن است، ضمن شناسایی متغیرهای نهادی مؤثر بر کارآفرینی روستایی، به تبیین عواملی که در توسعه کارآفرینی نواحی روستایی از منظر نهادی تأثیر گذارند نیز بپردازد. از آنجا که افزایش تولید و اشتغال و گسترش بنگاه‌های اقتصادی در مناطق روستایی نیازمند ایجاد بستر مناسب جهت هدایت منابع است، ضروری است متغیرهای نهادی مؤثر و ساختارهایی که تبیین آن باعث بهبود و ارتقای سطح کارآفرینی در مناطق روستایی است، شناسایی شود. بنابراین سؤال اصلی تحقیق بدین گونه است: از منظر نهادی چه عواملی در وضعیت توسعه کارآفرینی روستایی اثرگذارند؟

(۲) مبانی نظری

این پژوهش بر مبنای نظریه نهادی انجام شده است. مبنای اصلی این نظریه بر اساس کاستی‌های موجود نظریه اقتصاد نئوکلاسیک در درک فرایند تحول اقتصادی شکل گرفته است. بر طبق نظریه اقتصادی نئوکلاسیک، کارآفرینی باید از منظر فردگرایانه تحلیل شود. در واقع، عامل اقتصادی است که تصمیم می‌گیرد به فعالیت‌های کارآفرینانه رو آورد یا به نوع دیگری از فعالیت‌های درآمدزا بپردازد. این عقلانیت فردی است که تخصیص نهاده‌ها میان فعالیت‌های مختلف را در مواجهه با قید بودجه یا یک فرصت محیطی مشخص تعیین می‌کند (پاداش و نیکونسبتی، ۱۳۸۷). در حالیکه بر اساس نظریه نهادگرایی، نهادها عوامل اصلی تغییر هستند. نورث معتقد است، بسیاری از مشوق‌هایی که رفتارهای کارآفرینانه را هدایت می‌کنند مبتنی بر کیفیت نهادها هستند. بنابراین نهادها را می‌توان به منزله «قواعد بازی در جامعه یا به‌طور رسمی‌تر، محدودیت‌هایی که تعامل انسانی را شکل می‌دهند» تعریف کرد (North, 1990).

در سال ۱۹۹۱ داگلاس نورث مقاله‌ای تحت عنوان «نهادها» در مجله چشم‌اندازهای اقتصادی منتشر کرد. این مقاله بسیاری از تحقیقات قبلی او را در رابطه با تغییرات اقتصادی و نهادی خلاصه می‌کند. نورث نهادها را به‌عنوان «محدودیت‌های ابداع شده انسانی که تعاملات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را ساختار می‌دهند» تعریف می‌کند. نورث بیان می‌کند که محدودیت‌ها به عنوان قوانین رسمی (قانون اساسی، قوانین، حقوق مالکیت) و محدودیت‌های غیررسمی (تابوها، آداب و رسوم، سنت‌ها، قوانین رفتاری) ابداع می‌شوند که معمولاً به تداوم نظم و امنیت در بازار کمک می‌کنند. میزان تأثیرگذاری آنها تابع شرایط مختلفی است، مانند نیروی محدود قهری یک دولت، فقدان دولت سازمان یافته، یا وجود دستورات مذهبی قوی (North, 1991).

نورث استدلال می‌کند که توسعه اقتصادی جوامع با انجام مبادله محلی از روستا آغاز می‌شود. در این زمینه، خودکفایی مشخصه اکثر خانوارهای روستایی است و تجارت روستایی در مقیاس کوچک و در شبکه‌های اجتماعی متراکم با محدودیت‌های غیررسمی وجود دارد و تبادل محلی را تسهیل می‌کند و هزینه مبادله نسبتاً پایینی دارد. با این حال، این بازار محدود، پتانسیل تخصص را کاهش و هزینه‌های تولید را افزایش می‌دهد. در این شبکه متراکم «مردم با یکدیگر ارتباط صمیمی دارند و تهدید به خشونت نیروی مستمری برای حفظ نظم است» (North, 1991). با رشد و گسترش مبادلات محلی، بازار فراتر از روستا به مناطق بزرگتر و به هم پیوسته گسترش می‌یابد.

از آنجایی که شرکت‌کنندگان در یک معامله از نظر اجتماعی دورتر می‌شوند، شرایط مبادله باید واضح‌تر شود. این افزایش در هزینه‌های مبادله نهادهایی را ضروری می‌سازد که خطرات تقلب را کاهش دهند. با افزایش تخصص، هزینه‌های تولید کاهش می‌یابد و می‌تواند هزینه‌های معاملاتی بالاتر را توجیه کند (North, 1991).

نورث نقش حقوق مالکیت در توسعه کارآفرینی را ضروری دانسته و معتقد است که کسب این حقوق تابعی از قواعد حقوقی، شکل‌های سازمانی، اجرا و هنجارهای رفتاری و در یک کلام تابع چارچوب نهادی است. (نورث، ۱۳۷۷). در علم اقتصاد منظور از مالکیت، صاحب بودن و کنترل یک منبع یا کالا است. حقوق مالکیت میزان حق هر فرد برای درونی کردن آثار خارجی مربوط به دارایی‌هایش را روشن خواهد کرد. زیرا درونی کردن منافع یک دارایی مستلزم اختصاصی کردن، کنترل و حفاظت از آن و در واقع دریغ داشتن آن منافع از دیگران است. از دیدگاه داگلاس نورث حقوق مالکیت، انگیزش‌های فردی و گروهی را در نظام مشخص می‌سازد و دولت وظیفه تعریف و اجرای حقوق مالکیت را برعهده دارد. نورث، حقوق مالکیت را حقوقی می‌داند که افراد در قبال نیروی کار، کالا و خدمات در اختیار خود، کسب می‌کند. بنابراین نهادها اهمیت خواهند یافت و این بنگاه اقتصادی و سیاسی هستند که حقوق مالکیت را اجرا و انتقال می‌دهند (افراخته، ۱۳۹۷).

نورث معتقد است توزیع ثروت و درآمد در جامعه که در سایه همکاری و رقابت بین انسان‌ها و نظام‌های اجرایی آن بروز می‌یابد، در قالب دو نظریه دولت و حقوق مالکیت قابل فهم است. در نظریه حقوق مالکیت، هر چه امنیت انحصارگونه حقوق مالکیت بیشتر باشد، ساختار انگیزشی کارآمدتری را تشویق می‌کند و منجر به ارایه نظام پاداش مناسب به فعالیت کارآفرینی می‌شود و هر چه هزینه ابداع و نوآوری برای فرد قابل تامین‌تر باشد، فرد بیشتر تشویق به ابداع و نوآوری می‌شود (رضا قلی، ۱۳۹۸). این موضوع در شرایط عکس نیز اتفاق می‌افتد. بدین صورت که «اگر بالاترین بازده و پاداش در یک اقتصاد مربوط به دزدی دریایی باشد، می‌توان انتظار داشت که سازمان‌ها روی مهارت‌ها و دانشی سرمایه‌گذاری کنند که آنها را به دزدان دریایی بهتری تبدیل کند» (North, 1990).

بنابراین در نظام‌هایی که فعالیت‌های غیر رسمی و غیر مولد نسبت به فعالیت‌های مولد از درآمد و سودآوری بالایی برخوردار است، پرواضع است که نقش پاداش مناسب را در سرمایه‌گذاری مربوط ایفا کرده و موجب جذب نیروی کار و سرمایه‌گذاری در آن حرفه شده و در مقابل نیروی کار خلاق و مبتکر و سرمایه‌ها را از فعالیت مولد و سازنده دور می‌سازد (افراخته، ۱۳۹۷).

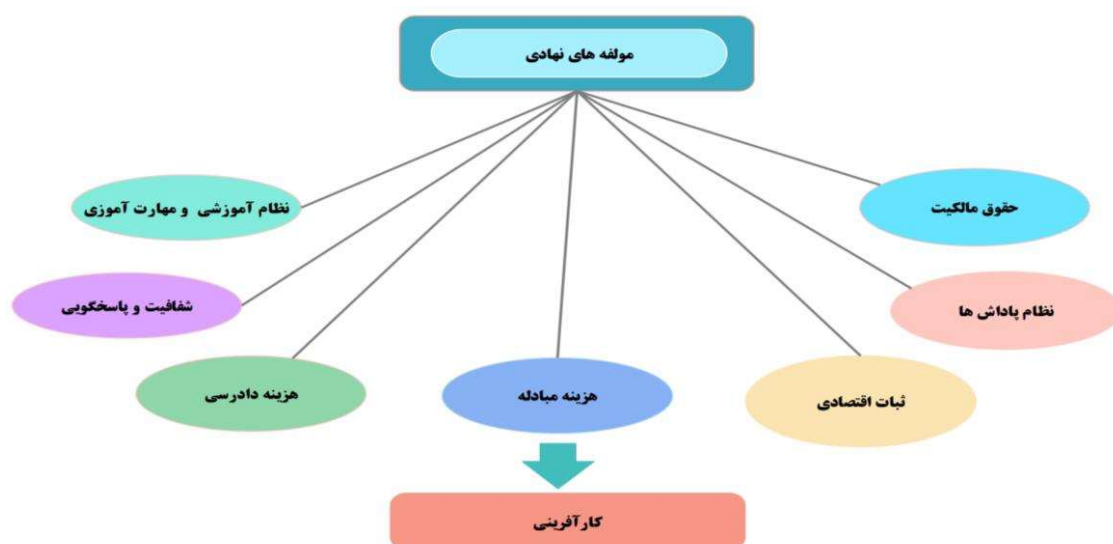
در نظریه دولت نیز نورث معتقد است، گرایش همه دولت‌ها به ایجاد حقوق مالکیت غیر کارا و بی‌ثباتی ذاتی است. اما دولتی که قراردادی است به گونه‌ای سنخیت با دولت‌های کشورهای توسعه یافته دارد و در واقع دولت تاجر است. دولت تاجر خدماتی ارائه می‌دهد (مثل امنیت، عدالت، قانون) که در آن صرفه اقتصادی نسبت به مقیاس وجود دارد، هر چند هزینه در بردارد ولی از مرحله‌ای به بعد، نه تنها هزینه را می‌پوشاند بلکه منافع آن برای دولت و جامعه فوق العاده زیاد و در خور توجه است. اما دولت استثمار، دولت غارتگر است و مجموعه حقوق مالکیتی را تعریف و تعیین می‌کند که درآمد گروه صاحب قدرت را بدون توجه به پیامدهای آن بر ثروت کل جامعه به حداکثر می‌رساند در این شرایط هزینه دادرسی افزایش یافته و منجر به غارت منابع و حقوق مالکیت ناکارآمد می‌شود (رضا قلی، ۱۳۹۸).

در همین راستا نورث به نقش ثبات اقتصادی در توسعه کارآفرینی اشاره می‌کند و معتقد است که برای ایجاد ثبات اقتصادی، صرفاً مدل‌های اقتصادی باعث ایجاد انگیزه برای افراد و سازمان‌ها به منظور اشتغال و فعالیت‌های مولد نمی‌شود و ضرورت توجه به حقوق مالکیت کارآمد می‌تواند هزینه‌های تولید و مبادله را کاهش داده و با

ضمانت یک دولت بی طرف و نظام قضایی عادل، زمینه را برای ایجاد ثبات اقتصادی فراهم می‌آورد و فرایند تخصصی شدن و تقسیم کار را در شرایط با ثبات اقتصادی سرعت می‌بخشد (نورث، ۱۳۹۸).

مسئله ایجاد شرایط با ثبات اقتصادی و بهبود فضای کسب و کار، نیازمند شفافیت و پاسخگویی فعالان این عرصه است. شفافیت، دسترسی بیشتر به اطلاعات و جریان بهتر اطلاعات با افزایش میزان پاسخگویی حکومت‌ها و مقامات رسمی، فساد را کاهش داده و حکمرانی را بهبود می‌بخشد و بهبودی حکمرانی هم به پایداری آن می‌انجامد. این مولفه با ایجاد شفافیت دولت‌ها و استقرار حاکمیت قانون، باعث ایجاد حقوق مالکیت کارا می‌شود و زمینه را برای کارآفرینی مولد فراهم می‌آورد (افراخته، ۱۳۹۷).

بر این اساس ضرورت توجه به نقش نظام آموزشی و مهارت‌آموزی در ایجاد یک چارچوب نهادی کارا برای توسعه کارآفرینی اجتناب‌ناپذیر است. نورث معتقد است، چارچوب نهادی انگیزش‌هایی را به وجود می‌آورد که انواع مهارت‌ها و دانشی را دیکته می‌کند که حداکثر پاداش را داشته باشد. این موضوع در شرایط کمیابی اقتصادی منجر به رقابت می‌شود و در نتیجه کارآفرینان به سرمایه‌گذاری برای کسب مهارت‌ها و دانش سوق می‌دهد. خواه یادگیری در حین کار صورت گیرد یا از طریق کسب دانش رسمی میسر شود، کلید بقا، بهبود کارایی سازمان نسبت به کارایی رقبا است. بنابراین می‌توان گفت سرمایه‌گذاری مستقیم سازمان‌های اقتصادی در آموزش حرفه-ای، آشکارا به منافع مشهود بستگی دارد. میزان سرمایه‌گذاری جوامع در آموزش رسمی، برداشت کارآفرینان سازمان‌های سیاسی و اقتصادی را منعکس خواهد کرد (نورث، ۱۳۹۸). بررسی ابعاد نظریه نهادی در حوزه مطالعات کارآفرینی روستایی نشان می‌دهد که موضوعات مربوط به نقش نهادها و حکمرانی اهمیت بیشتری یافته است، در رابطه با موضوع حکمرانی، مطالعات نشان می‌دهد که نقش دولت باید غلبه بر موانع ساختاری کارآفرینی روستایی در نظر گرفته شود (Futemma et al. 2020). مطالعات انجام یافته نشان می‌دهد که حکمرانی با میزان همکاری و مشارکت شهروندان نیز بیان شود، زیرا مشارکت بیشتر جوامع منجر به ارتقای کارآفرینی (Joshi et al. 2019) و کمک به کاهش فقر می‌شود (Nambiar, 2019). ارتباط متقابل حاکمیت و نهاد به تعاملات بین کارآفرین و محیط (Deng et al. 2020)، همگرایی نهادهای محلی و یک محیط نهادی محصور کننده (Kumar et al. 2020) و روابط افقی و عمودی (Lang and Fink 2019) مربوط می‌شود. سپس، نهادهای رسمی و غیررسمی باید در تحلیل در نظر گرفته شوند و همچنین سیاست‌ها و مداخلات دولت نیز مد نظر قرار گیرد. بر این اساس نیاز به درک بهتر بافت روستایی، به ویژه، نظام ارزشی و سنت‌های کارآفرینان و جامعه‌ای که آنها را احاطه کرده است وجود دارد. مطالعات انجام شده در کشورهای در حال توسعه نشان داده است که در بسیاری از جوامع کار فردی به کار مشارکتی ترجیح داده می‌شود. این امر به دلایل مختلفی مانند عدم اعتماد به نهادها، عدم اعتماد به اشخاص ثالث و عدم تایید مدل‌های اقتصادی که واقعیت‌های سرزمین‌ها را نادیده می‌گیرند رخ می‌دهد (Tabares et al. 2021). و بر این اساس لازم است که اقدام کارآفرینانه بر اساس قلمروها (Joshi et al. 2019) و شرایط محیطی در نظر گرفته شود، زیرا این عوامل برونزا می‌توانند کارآفرینی موفق را فعال یا مهار کنند (Baskaran and Mehta 2016). بنابراین تحقیقات بیشتری برای بررسی نقش نهادها و حاکمیت در کارآفرینی روستایی مورد نیاز است.



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

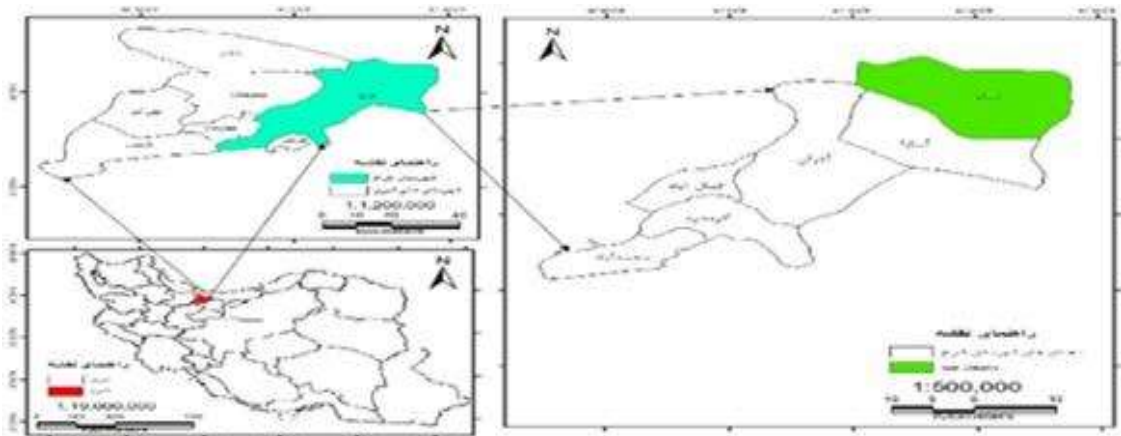
۳) روش تحقیق

پژوهش حاضر به لحاظ هدف، بنیادی - کاربردی و بر اساس نحوه گردآوری داده‌ها توصیفی - پیمایشی است. جامعه آماری در این پژوهش، ساکنان دهستان نسا در شهرستان کرج به تعداد ۱۶۷۸ خانوار هستند حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران به تعداد $n = 216$ محاسبه شده است و توزیع آن در میان روستاها بر اساس متناسب با تعداد خانوارها در هر روستا بود و نمونه‌گیری نیز با روش تصادفی ساده انجام شد. ابزار گردآوری داده‌ها در این پژوهش، پرسشنامه محقق ساخته‌ای است که بر اساس مطالعات حاصل از منابع فارسی و لاتین استخراج و از دو بخش اصلی تشکیل شده است. بخش اول پرسشنامه تحلیل وضعیت کارآفرینی روستایی در قالب ۳۵ سوال است و در بخش دوم عوامل نهادی موثر در توسعه کارآفرینی روستایی مشتمل بر ۱۰۲ سوال بوده است. در این پژوهش به منظور سنجش اعتبار محتوایی پرسشنامه در اختیار سه نفر استادان و متخصصان صاحب نظر قرار گرفت و آنها خواسته شد، نظرات خود را در مورد شاخص‌ها و گویه‌های پرسش‌نامه ارائه نمایند. پس از اخذ نظرات اصلاحی و تعدیل برخی موارد نسبت به شناسایی (۵) مولفه کارآفرینی روستایی و (۷) مولفه نهادی موثر بر کارآفرینی روستایی اقدام شد. در این پژوهش روایی سوالات با شاخص بار عاملی ارزیابی شد و معیار حداقل ۰/۴۰ برای روایی سوالات پرسشنامه در تحلیل عاملی تاییدی لحاظ شد. میانگین واریانس استخراج شده (AVE) که روایی همگرا را می‌سنجد، دارای مقادیر متوسط تا مطلوبی بود. پایایی ترکیبی و آلفای کرونباخ دو روش بررسی پایایی هستند که مطابق نتایج جدول (۱) برای دو سازه اصلی کارآفرینی روستایی و عوامل نهادی بررسی شد و پایایی پرسشنامه‌های پژوهش مورد تایید قرار گرفت و تعداد (۳۲) سوال به دلیل بار عاملی ضعیف (کمتر از ۰/۴۰) از مدل حذف شدند. در این پژوهش از تکنیک آماری مدل‌سازی معادلات ساختاری برای آزمون مدل مفهومی استفاده شد و رابطه متغیرها با آزمون همبستگی پیرسون سنجیده شد. نرمال بودن چندمتغیره که پیش فرض آزمون مدل‌سازی معادلات ساختاری به روش کوواریانس محور با ضریب مردیا بررسی شد که ضریب بدست آمده برابر با ۳/۳۷ بدست آمد که کمتر از معیار ۵ بود و نشان داد مفروضه نرمال بودن چندمتغیره تایید شد.

جدول ۱. توصیف متغیرهای اصلی و بررسی روایی و پایایی

متغیرها	میانگین	انحراف استاندارد	کجی	کشیدگی	میانگین واریانس استخراج شده	پایایی ترکیبی	آلفای کرونباخ
مولفه فردی	۲/۳۲	۰/۶۰	۰/۶۴۱	۰/۴۸۳	۰/۳۰	۰/۷۲	۰/۶۳
مولفه اجتماعی	۲/۲۴	۰/۵۱	۱/۳۲	۲/۶۶	۰/۳۹	۰/۷۵	۰/۶۸
مولفه اقتصادی	۲/۴۹	۰/۶۶	۰/۹۸۵	۱/۱۲	۰/۴۷	۰/۸۶	۰/۸۰
مولفه سیاسی	۱/۷۷	۰/۵۵	۱/۷۹	۳/۲۳	۰/۵۱	۰/۸۴	۰/۷۶
مولفه فرهنگی	۲/۶۷	۰/۷۴	۱/۱۵	۰/۲۲۰	۰/۵۷	۰/۸۹	۰/۸۵
کارآفرینی روستایی (امتیاز کل)	۲/۳۳	۰/۴۸	۱/۵۴	۱/۸۴	۰/۵۰	۰/۸۹	۰/۸۸
نظام حقوق مالکیت	۲/۱۴	۰/۵۳	۱/۴۸	۰/۸۸۶	۰/۲۹	۰/۹۲	۰/۹۱
نظام پاداش ها	۲/۲۲	۰/۴۸	۱/۳۰	۰/۸۱۲	۰/۲۳	۰/۹۰	۰/۸۸
ثبات اقتصادی	۱/۹۴	۰/۶۷	۱/۵۱	۱/۸۵	۰/۶۱	۰/۸۸	۰/۸۴
هزینه مبادله	۲/۲۵	۰/۶۰	۱/۰۶	۰/۶۰۷	۰/۳۴	۰/۷۴	۰/۶۴
هزینه دادرسی	۲/۳۷	۰/۶۷	۰/۹۷۸	۰/۴۸۷	۰/۵۰	۰/۸۳	۰/۷۵
شفافیت و پاسخگویی	۲/۰۶	۰/۶۷	۱/۲۴	۰/۵۹۳	۰/۴۸	۰/۷۸	۰/۶۸
نظام آموزشی و مهارت آموزی	۲/۰۱	۰/۴۵	۰/۷۴۷	۰/۲۴۰	۰/۳۴	۰/۷۲	۰/۶۲
عوامل نهادی (امتیاز کل)	۲/۱۶	۰/۵۰	۱/۵۲	۰/۹۲۶	۰/۷۷	۰/۹۷	۰/۹۶

ناحیه روستایی نسا از توابع بخش آسارا در شمال شهرستان کرج واقع شده است. بخش آسارا از ۳ دهستان به نام‌های آدران، آسارا و نسا تشکیل شده است و در مجموع تعداد ۶۲ آبادی در این بخش واقع شده است که از این تعداد آبادی، ۴۷ روستای آن بالای ۲۰ خانوار است. دهستان نسا بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۵ دارای ۱۷ روستا و جمعیتی بالغ بر ۵۰۶۴ نفر است که از این تعداد ۲۴۵۹ نفر زن و ۲۶۰۵ نفر مرد هستند. در واقع تقریباً ۴۸٫۵ درصد جمعیت روستاهای فوق را زنان و ۵۱٫۵ درصد دیگر آن مردان تشکیل می‌دهند. تعداد روستاها و کانون‌های جمعیتی بالای ۲۰ خانوار در این محدوده به ۱۵ روستا می‌رسد. روستای ولایت رود با ۱۳۸۲ نفر جمعیت و ۴۵۸ خانوار پرجمعیت‌ترین روستای این دهستان و ۲۷٫۲ درصد جمعیت دهستان را شامل می‌شود.



شکل ۲. نقشه موقعیت جغرافیایی منطقه مورد مطالعه

۴) یافته‌های تحقیق

تحلیل وضعیت کارآفرینی روستایی و متغیرهای نهادی موثر بر آن

یافته‌های توصیفی پیرامون مشخصات عمومی پاسخگویان نشان داد، بیشتر پاسخگویان (۸۱/۹ درصد) مرد و ۱۸/۱ درصد نیز زن بودند. بیشتر پاسخگویان (۷۳/۱ درصد) سرپرست خانوار بودند. از نظر تحصیلات، بیشتر پاسخگویان تحصیلات دیپلم و زیر دیپلم (۵۶/۵ درصد) و لیسانس (۲۶/۴ درصد) داشتند. در خصوص ویژگی‌های شغلی ساکنان، رشته شغلی خدمات بیشترین فراوانی را داشت و ۵۶ درصد پاسخگویان در رشته خدمات مشغول فعالیت بودند. بعد از آن رشته کشاورزی با ۲۴/۱ درصد قرار داشت. رشته دامپروری با ۱۴/۸ درصد در رتبه سوم، رشته صنایع دستی با ۳/۷ درصد در رتبه چهارم و رشته صنعت با ۱/۴ درصد در رتبه پنجم قرار داشت. در این پژوهش به منظور مقایسه روستاها از نظر حجم کارآفرینی، چهار شاخص کارآفرین دانستن خود، سابقه فعالیت کارآفرینی، تعداد افراد شاغل در کارگاه و حجم سرمایه‌گذاری بر اساس جدول ۲ با یکدیگر ترکیب شده و شاخصی به نام حجم کارآفرینی بدست آمد. وزن هر کدام از چهار عامل در ایجاد حجم کارآفرینی، برابر و یکسان بود. نمره بالاتر به معنای حجم کارآفرینی بیشتر است. دامنه حجم کارآفرینی از حداقل ۰ تا حداکثر ۱۶ است. نتایج مقایسه روستاها از نظر شاخص حجم کارآفرینی در جدول ۳ و شکل ۳ آمده است.

جدول ۲. ویژگی‌های مرتبط با حجم کارآفرینی در جمعیت نمونه

ویژگی	تعداد	درصد	
شرکت در کلاس کارآفرینی	بلی	۴	۱/۹
	خیر	۲۱۲	۹۸/۱
کارآفرین دانستن خود	بلی	۸۰	۳۷
	خیر	۱۳۶	۶۳
سابقه فعالیت کارآفرینی	کمتر از ۲ سال	۱۶	۷/۴
	۲ تا ۵ سال	۳۴	۱۵/۷
	بیشتر از ۵ سال	۵۶	۲۵/۹
	هیچ فعالیت کارآفرینی ندارم	۱۱۰	۵۰/۹
تعداد شاغل کارگاه	۱	۳۸	۳۵/۸
	۲	۳۶	۳۳/۹
	۳	۱۸	۱۶/۹
	۴	۹	۸/۴
	بیشتر از ۴	۵	۴/۷
حجم سرمایه‌گذاری	کمتر از ۱۰۰۰ میلیون ریال	۶۴	۲۹/۶
	۱۰۰۰ تا ۲۰۰۰ میلیون ریال	۲۱	۹/۷
	۲۰۰۰ تا ۳۰۰۰ میلیون ریال	۱۰	۴/۶
	بیشتر از ۳۰۰۰ میلیون ریال	۱۳	۶
	هیچ سرمایه‌گذاری انجام ندادم	۱۰۸	۵۰

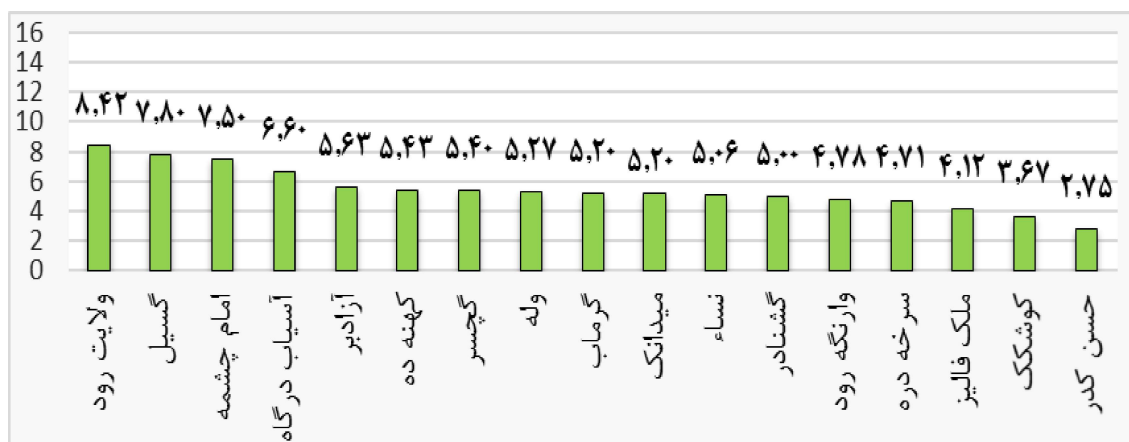
جدول ۳. شاخص آماری حجم کار آفرینی در روستاها (مرتب شده بر حسب میانگین)

رتبه	روستا	تعداد در نمونه	میانگین	انحراف استاندارد
۱	ولایت رود	۵۷	۸/۴۲	۵/۰۴
۲	کسپیل	۵	۷/۸۰	۴/۴۴
۳	امام چشمه	۶	۷/۵۰	۴/۳۲
۴	آسیاب درگاه	۵	۶/۶۰	۴/۸۸
۵	آزادبر	۸	۵/۶۳	۳/۰۷
۶	کهنه ده	۷	۵/۴۳	۳/۹۱
۷	گچسر	۵	۵/۴۰	۳/۱۳
۸	وله	۱۱	۵/۲۷	۴/۶۹
۹	گرماب	۵	۵/۲۰	۴/۳۲
۱۰	میدانک	۵	۵/۲۰	۴/۵۵
۱۱	نساء	۳۴	۵/۰۶	۴/۰۰
۱۲	گشنادر	۵	۵/۰۰	۴/۳۶
۱۳	وارنگه رود	۹	۴/۷۸	۴/۴۷
۱۴	سرخه دره	۷	۴/۷۱	۳/۹۵
۱۵	ملک فالیز	۱۷	۴/۱۲	۲/۹۳
۱۶	کوشکک	۶	۳/۶۷	۱/۰۳
۱۷	حسن کدر	۲۴	۲/۷۵	۲/۵۴

بر اساس نتایج جدول ۳ تمامی روستاها به غیر از روستای ولایت رود، میانگینی کمتر از متوسط نمرات یا میانه نمرات یعنی ۸ داشتند. از نظر حجم کار آفرینی، بالاترین میانگین را روستاهای ولایت رود (۸/۴۲)، گسپیل (۷/۸۰) و امام چشمه (۷/۵۰) داشتند و کمترین حجم کار آفرینی مربوط به روستاهای حسن کدر با نمره ۲/۷۵ است. بررسیهای انجام یافته در محدوده مورد مطالعه نشان می‌دهد که بیش از ۹۸/۱ پاسخگویان در کلاس‌های کار آفرینی شرکت نکرده و با روش‌های جدید کسب و کار و نوآوری در فرایند تولید و اشتغال آشنایی ندارند. ۳۷ درصد پاسخگویان خود را کار آفرین می‌دانستند و اعلام نمودند اگر شرایط لازم برای حمایت از کسب و کارهای روستایی فراهم شود، حاضرند در این عرصه وارد شوند و به فعالیت بپردازند.

بررسی‌های انجام شده در خصوص سابقه فعالیت کار آفرینی پاسخگویان نشان می‌دهد که حدود ۵۰/۹ درصد پاسخگویان، سابقه هیچ‌گونه فعالیت کار آفرینی نداشتند. اگرچه ۴۹/۱ درصد پاسخگویان، دارای سابقه فعالیت کار آفرینی بودند، ولی بررسی‌های انجام یافته نشان می‌دهد که حدود ۲۳/۱ درصد پاسخگویان، با سابقه کمتر از ۵ سال کار آفرینی با ایجاد واحد کوچک اقتصادی و فاقد توان رقابتی، جز کار آفرینان نوپا محسوب شده و هنوز نتوانسته بودند نسبت به گسترش فعالیت‌های کار آفرینانه خود اقدام نمایند. اگر چه ۲۶ درصد پاسخگویان دارای فعالیت کار آفرینی بالای ۵ سال بودند، بررسی‌های میدانی نشان می‌دهد، فعالیت‌های انجام یافته در راستای کسب و کارهای خانوادگی است که عمدتاً جهت تامین نیازهای اقتصادی خانواده و فاقد نوآوری در عرصه اشتغال و کسب و کار روستایی است. بررسی انجام شده در خصوص تعداد شاغلین در کارگاه نشان می‌دهد که فقط ۴۹ درصد نمونه مورد مطالعه دارای کارگاه مشخص جهت انجام فعالیت اقتصادی بودند و از این میزان، حدود ۶۹/۷ درصد شاغلین در کارگاه‌های با دو نفر کارکن مشغول به کارند و این شرایط نشان می‌دهد که خود اشتغالی با رویکرد کسب و کارهای خانوادگی، فعالیت غالب اکثر کارگاه‌های مستقر در محدوده مورد مطالعه بوده است.

حجم سرمایه‌گذاری‌های انجام شده توسط پاسخگویان نشان می‌دهد که ۳۹/۳ درصد سرمایه‌گذاری‌های انجام شده در حوزه کسب و کار روستایی تا ۲۰۰۰ میلیون ریال است و این شرایط نشان دهنده وجود کسب و کارهای خرد با حداقل توان جهت رقابت اقتصادی است. بررسی‌های انجام یافته در محدوده مورد مطالعه نشان می‌دهد که فعالیت کارآفرینی در محدوده مورد مطالعه منجر به تخریب خلاق آنگونه که شومپیتر به آن اشاره می‌کند نشده و فاقد فرایند نوآوری در عرصه کسب و کار روستایی از جمله ایجاد و انتشار محصولات جدید و معرفی روش‌های جدید تولید است.



شکل ۳. نمودار ستونی شاخص حجم کارآفرینی به تفکیک روستا

نتایج حاصل از بررسی میانگین وضعیت متغیرهای موثر در توسعه کارآفرینی در تمامی روستاها نشان می‌دهد که کمتر از مقدار متوسط است. و می‌توان نتیجه گرفت که روستاهای مورد مطالعه وضعیت کارآفرینی مطلوبی نداشتند. مقایسه روستاها نشان داد که بالاترین میانگین در وضعیت کارآفرینی روستایی مربوط به روستای ولایت رود با میانگین ۲/۹۳ و روستای وله با میانگین ۲/۲۶ بود و کمترین میانگین مربوط به روستای کوشکک با میانگین ۱/۹۸ و روستای کهنه ده با میانگین ۲ بوده است. در ادامه نمودار ستونی وضعیت کارآفرینی و متغیرهای آن به منظور مقایسه بصری روستاها از نظر کارآفرینی آمده است.



شکل ۴. نمودار ستونی میانگین کل وضعیت کارآفرینی روستایی به تفکیک روستا

بررسی میانگین‌ها (جدول ۴) نشان داد میانگین کل وضعیت کارآفرینی برابر با ۲/۳۳ بود که کمتر از مقدار متوسط است. همچنین میانگین تمامی پنج متغیر فردی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی کمتر از مقدار متوسط بود. در بین مولفه‌ها بالاترین میانگین مربوط به متغیر فرهنگی با میانگین ۲/۶۷ بود و پایین‌ترین میانگین مربوط به متغیر سیاسی با میانگین ۱/۷۷ است. بررسی مقادیر کجی و کشیدگی نشان داد که مقادیر بدست آمده در محدوده -۲ تا +۲ یا نزدیک به این محدوده بودند و نشان می‌دهد توضیح متغیرها به طور تقریبی نرمال بوده است.

جدول ۴. آماره‌های توصیفی تحلیل وضعیت کارآفرینی روستایی

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	کجی	کشیدگی
فردی	۲/۳۲	۰/۶۰	۰/۶۴۱	۰/۴۸۳
اجتماعی	۲/۲۴	۰/۵۱	۱/۳۲	۲/۶۶
اقتصادی	۲/۴۹	۰/۶۶	۰/۹۸۵	۱/۱۲
سیاسی	۱/۷۷	۰/۵۵	۱/۷۹	۳/۲۳
فرهنگی	۲/۶۷	۰/۷۴	۱/۱۵	۰/۲۲۰
نمره کل	۲/۳۳	۰/۴۸	۱/۵۴	۱/۸۴

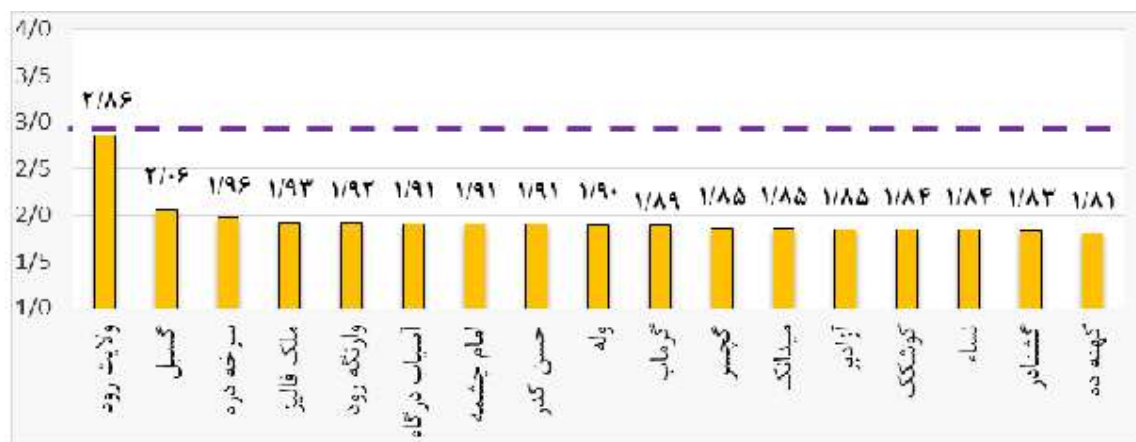
همچنین بررسی میانگین متغیرهای نهادی مؤثر بر کارآفرینی روستایی (جدول ۵) نشان داد که تمامی میانگین‌ها کمتر از مقدار متوسط ۳ بود و نشان داد روستاها در هفت متغیر مورد بررسی وضعیت مطلوبی ندارند. بالاترین میانگین را مولفه هزینه دادرسی با میانگین ۲/۳۷ و هزینه مبادله با میانگین ۲/۲۵ داشتند و کمترین میانگین را ثبات اقتصادی با میانگین ۱/۹۴ داشت.

جدول ۵. آماره‌های توصیفی عوامل نهادی مؤثر در توسعه کارآفرینی روستایی

متغیر	مولفه‌ها	میانگین	انحراف استاندارد	کجی	کشیدگی
عوامل نهادی مؤثر در توسعه کارآفرینی روستایی	نظام حقوق مالکیت	۲/۱۴	۰/۵۳	۱/۴۸	۰/۸۸۶
	نظام پاداش‌ها	۲/۲۲	۰/۴۸	۱/۳۰	۰/۸۱۲
	ثبات اقتصادی	۱/۹۴	۰/۶۷	۱/۵۱	۱/۸۵
	هزینه مبادله	۲/۲۵	۰/۶۰	۱/۰۶	۰/۶۰۷
	هزینه دادرسی	۲/۳۷	۰/۶۷	۰/۹۷۸	۰/۴۸۷
	شفافیت و پاسخگویی	۲/۰۶	۰/۶۷	۱/۲۴	۰/۵۹۳
	نظام آموزشی و مهارت آموزی	۲/۰۱	۰/۴۵	۰/۷۴۷	۰/۲۴۰
	نمره کل	۲/۱۶	۰/۵۰	۱/۵۲	۰/۹۲۶

بر این اساس می‌توان گفت که امتیاز کل متغیرهای نهادی مؤثر در توسعه کارآفرینی روستایی، در تمام روستاهای محدوده مورد مطالعه کمتر از متوسط است. بررسی‌های انجام یافته، برنامناسب بودن شرایط نهادی محدوده مورد مطالعه اشاره دارد. زیرا تمام متغیرهای مورد مطالعه پایین‌تر از میانگین متوسط است. مسلماً

ساختار نامناسب حقوق مالکیت، عدم اجرای مناسب قراردادهای و عدم ایجاد و اعمال محدودیت‌های قانونی موثر، باعث افزایش سودآوری فعالیت‌های غیر مولد می‌شوند و موجبات حرکت افراد را به سمت فعالیت‌های غیر مولد که منشأ اساسی تورم، غارت و دلالی و واسطه‌گری هستند، فراهم می‌کنند و در این شرایط هزینه مفت خواری کاهش و هزینه تولید و اشتغال و کارآفرینی افزایش می‌یابد. و این فرایند باعث افزایش هزینه‌های مبادلاتی، افزایش ریسک سرمایه‌گذاری و کاهش انگیزه برای فعالیت‌های مولد شده که پیامد آن کاهش انباشت عوامل تولید و کاهش بهره‌وری کل عوامل و در نتیجه رکود در روند توسعه اقتصادی مناطق روستایی خواهد شد.



شکل ۵. نمودار ستونی میانگین کل عوامل نهادی به تفکیک روستا

مدل سازی معادلات ساختاری عوامل نهادی موثر بر توسعه کارآفرینی روستایی

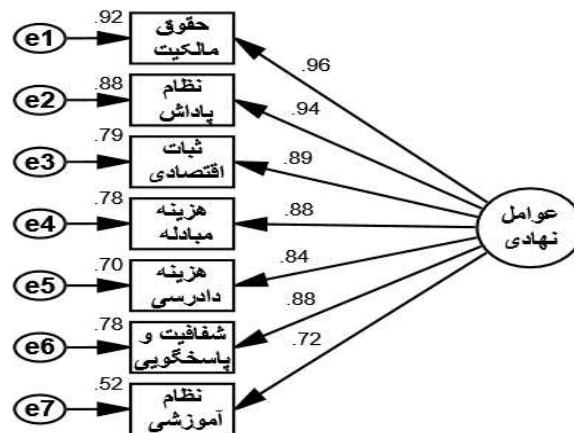
در این پژوهش از تکنیک آماری مدل سازی معادلات ساختاری برای آزمون مدل مفهومی استفاده شد و رابطه متغیرها با آزمون همبستگی پیرسون سنجیده شد. نرمال بودن چندمتغیره که پیش فرض آزمون مدلسازی معادلات ساختاری به روش کوواریانس محور با ضریب مردیا بررسی شد که ضریب بدست آمده برابر با ۳/۳۷ بدست آمد که کمتر از معیار ۵ بود و نشان داد مفروضه نرمال بودن چندمتغیره تایید شد.

جدول ۶. آزمون همبستگی پیرسون بین عوامل نهادی با کارآفرینی روستایی

متغیرها	مولفه فردی	مولفه اجتماعی	مولفه اقتصادی	مولفه سیاسی	مولفه فرهنگی	کارآفرینی روستایی (نمره کل)
نظام حقوق مالکیت	۰/۵۷**	۰/۳۹**	۰/۶۵**	۰/۷۲**	۰/۷۵**	۰/۷۹**
نظام پاداش ها	۰/۵۲**	۰/۳۵**	۰/۶۲**	۰/۶۶**	۰/۷۷**	۰/۷۸**
ثبات اقتصادی	۰/۴۶**	۰/۳۶**	۰/۵۴**	۰/۶۴**	۰/۷۰**	۰/۷۲**
هزینه مبادله	۰/۴۹**	۰/۲۹**	۰/۵۵**	۰/۶۱**	۰/۷۱**	۰/۷۱**
هزینه دادرسی	۰/۴۰**	۰/۳۴**	۰/۵۸**	۰/۶۳**	۰/۷۰**	۰/۷۱**
شفافیت و پاسخگویی	۰/۵۰**	۰/۳۸**	۰/۵۸**	۰/۶۵**	۰/۷۴**	۰/۷۶**
نظام آموزشی و مهارت آموزی	۰/۵۱**	۰/۳۴**	۰/۴۵**	۰/۵۶**	۰/۶۰**	۰/۶۴**
عوامل نهادی (نمره کل)	۰/۵۶**	۰/۳۹**	۰/۶۵**	۰/۷۲**	۰/۷۸**	۰/۷۵**

توجه: * = $p \leq 0.05$ و ** = $p \leq 0.01$

نتایج آزمون همبستگی پیرسون (جدول ۶) نشان داد که بین عوامل نهادی و کارآفرینی روستایی رابطه معنی داری مشاهده شد ($p < 0.01$). جهت رابطه مثبت بود و نشان داد بهبود و ارتقاء عوامل نهادی با افزایش کارآفرینی روستایی همراه بود. شدت همبستگی برابر با ۰/۷۵ بود که نشان از رابطه قوی بین عوامل نهادی و کارآفرینی روستایی داشت. مطابق نتایج تمامی عوامل نهادی با کارآفرینی روستایی رابطه مثبت داشتند که دامنه همبستگی‌ها از حداقل ۰/۶۴ برای نظام آموزش و مهارت آموزی تا حداکثر ۰/۷۹ برای نظام حقوق مالکیت بود که نشان داد تمامی هفت عامل نهادی از رابطه قوی با کارآفرینی روستایی برخوردار بودند. بین امتیاز کل عوامل نهادی با تمامی پنج مولفه کارآفرینی روستایی رابطه مثبت مشاهده شد که دامنه همبستگی از حداقل ۰/۳۹ برای مولفه اجتماعی تا حداکثر ۰/۷۸ برای مولفه فرهنگی بود. در این پژوهش مدل اندازه گیری عوامل نهادی و کارآفرینی روستایی با سازه پنهان خود بررسی شده است. شکل (۶) مدل اندازه گیری مقیاس عوامل نهادی است و مولفه‌های آن در حالت ضرایب استاندارد ارایه شده است. این مدل دارای هفت شاخص است و مقادیر بار عاملی بر روی مسیرها مشخص شده است.

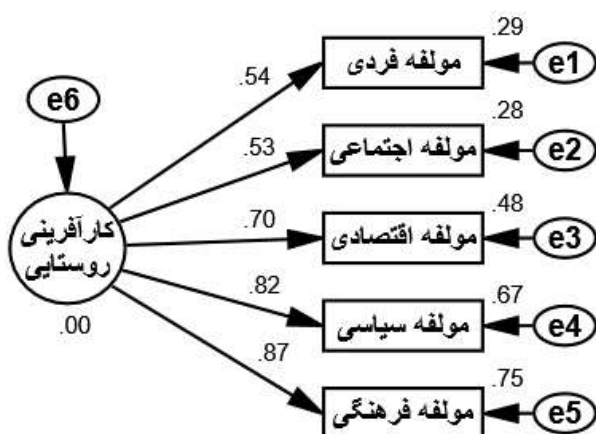


شکل ۶. مدل اندازه گیری سازه عوامل نهادی در حالت ضرایب استاندارد (بار عاملی)

جدول ۷. نتایج بررسی رابطه بین عوامل نهادی هفت گانه با سازه بنیادی عوامل نهادی

نوع تاثیر	ضریب استاندارد	مقدار t	مقدار p
حقوق مالکیت <-> سازه عوامل نهادی	۰/۹۶	۱۴/۳۰	<۰/۰۰۱
نظام پاداش ها <-> سازه عوامل نهادی	۰/۹۴	۱۳/۹۸	<۰/۰۰۱
ثبات اقتصادی <-> سازه عوامل نهادی	۰/۸۹	۱۳/۱۹	<۰/۰۰۱
هزینه مبادله <-> سازه عوامل نهادی	۰/۸۸	۱۳/۱۳	<۰/۰۰۱
هزینه دادرسی <-> سازه عوامل نهادی	۰/۸۴	۱۲/۴۰	<۰/۰۰۱
شفافیت و پاسخگویی <-> سازه عوامل نهادی	۰/۸۸	۱۳/۰۸	<۰/۰۰۱
نظام آموزشی و مهارت آموزی <-> سازه عوامل نهادی	۰/۷۲	—	—

نتایج جدول ۷ نشان داد بین تمامی عوامل با سازه بنیادی عوامل نهادی رابطه معنی داری در سطح اطمینان حداقل ۹۹ درصد مشاهده شد ($p < 0/01$). بر این اساس می‌توان استنباط کرد که همه عوامل هفت گانه، سنجه یا ابزار مناسبی برای سنجش عوامل نهادی بودند. شدت رابطه‌ها برای تمامی روابط مقدار قوی و قابل توجهی بود و از حداقل ۰/۷۲ برای عامل نظام آموزشی و مهارت آموزی تا حداکثر ۰/۹۶ برای عامل حقوق مالکیت بود. شکل ۷ مدل اندازه‌گیری مقیاس کارآفرینی روستایی و مولفه‌های آن در حالت ضرایب استاندارد ارایه شده است. این مدل دارای پنج شاخص است و مقادیر بار عاملی بر روی مسیرها مشخص شده است.

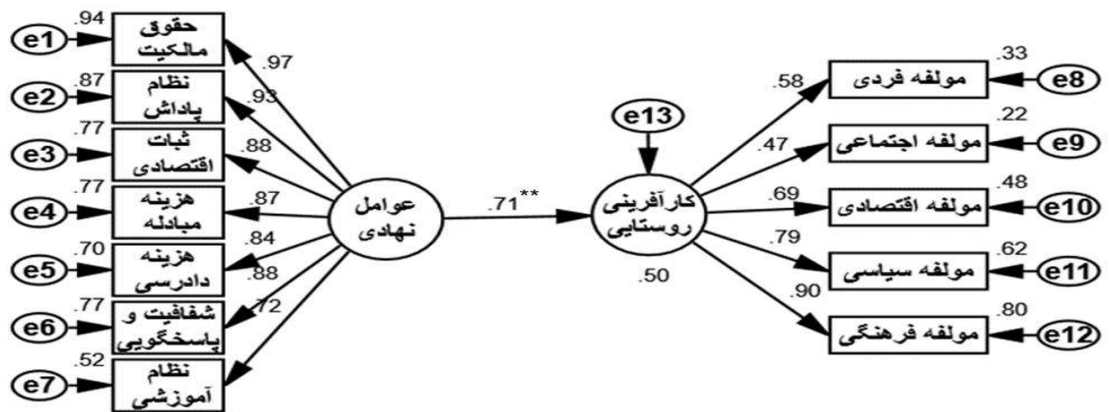


شکل ۷. مدل اندازه‌گیری سازه کارآفرینی روستایی در حالت ضرایب استاندارد (بار عاملی)

جدول ۸. نتایج بررسی رابطه بین مولفه‌های پنج گانه با سازه بنیادی کارآفرینی روستایی

مقدار p	مقدار t	ضریب استاندارد	نوع تاثیر
$<0/001$	۷/۹۶	۰/۵۴	مولفه فردی <-> سازه کارآفرینی روستایی
$<0/001$	۷/۸۱	۰/۵۳	مولفه اجتماعی <-> سازه کارآفرینی روستایی
$<0/001$	۱۰/۷۸	۰/۷۰	مولفه اقتصادی <-> سازه کارآفرینی روستایی
$<0/001$	۱۲/۹۱	۰/۸۲	مولفه سیاسی <-> سازه کارآفرینی روستایی
—	—	۰/۸۷	مولفه فرهنگی <-> سازه کارآفرینی روستایی

یافته‌ها (جدول ۸) نشان داد بین تمامی مولفه‌های کارآفرینی با سازه پنهان کارآفرینی رابطه معنی‌داری در سطح اطمینان حداقل ۹۹ درصد مشاهده شد ($p < 0/01$). آزمون مدل اندازه‌گیری نشان داد همه عوامل پنج گانه، سنجه یا ابزار مناسبی برای سنجش کارآفرینی روستایی بودند. شدت رابطه‌ها برای تمامی روابط مقدار قوی و مناسبی بود و از حداقل ۰/۵۳ برای مولفه اجتماعی تا حداکثر ۰/۸۷ برای مولفه فرهنگی بود. شکل ۸ مدل تجربی رابطه عوامل نهادی با متغیر وابسته کارآفرینی روستایی است. با توجه به وجود همبستگی نسبتاً قوی بین هفت عامل نهادی که موجب بروز مساله همخطی چندگانه می‌شود، تاثیر هفت عامل در قالب سازه کلی عوامل نهادی بر کارآفرینی روستایی سنجیده شد.



شکل ۸. مدل تجربی در حالت ضرایب مسیر استاندارد ($p < 0.01$) (**)

مطابق شکل ۸، تاثیر عوامل نهادی بر کارآفرینی روستایی تایید شد ($p < 0.01$) که ضریب استاندارد برابر با 0.71 بود و نشان از تاثیر قوی عوامل نهادی بر کارآفرینی روستایی داشت. در جدول ۹ شاخص‌های برازش مدل آمده است.

جدول ۹. شاخص‌های برازش مدل

<i>p</i> value	Chi square/df	RMSEA	GFI	CFI	NFI	IFI	PGFI	AGFI	شاخص برازش
> 0.05	در بازه ۱ تا ۵	< 0.08	> 0.90	> 0.90	> 0.90	> 0.90	> 0.50	> 0.70	معیار*
0.001	۲/۷۱	۰/۰۶۹	۰/۹۱	۰/۹۶	۰/۹۴	۰/۹۶	۰/۶۱	۰/۸۵	نتیجه

در مجموع با ارزیابی تمامی شاخص‌های برازش در جدول ۹ می‌توان استنباط کرد در مدل تجربی تمامی شاخص‌های برازش مقدار قابل قبولی داشتند و هیچ کدام از شاخص‌های برازش مقدار ضعیفی نداشتند و بر این اساس می‌توان برازش مدل را مقدار مناسبی دانست و کلیت مدل را مورد تایید دانست. ضریب تعیین مدل برابر با 0.50 بود که نشان داد عوامل نهادی توانستند 50 درصد از واریانس متغیر وابسته کارآفرینی نهادی را تبیین کنند. در جدول ۱۰ نتیجه آزمون اثر مستقیم عوامل نهادی بر کارآفرینی روستایی آمده است.

جدول ۱۰. نتایج بررسی اثر مستقیم عوامل نهادی بر کارآفرینی روستایی بر اساس نتایج مدل‌سازی

مقدار <i>p</i>	مقدار <i>t</i>	ضریب استاندارد	نوع تاثیر
< 0.001	۱۲/۳۴	۰/۷۱	عوامل نهادی - کارآفرینی روستایی

جدول ۱۰ نشان داد تاثیر عوامل نهادی بر کارآفرینی روستایی تایید شد ($p < 0.01$). بر این اساس مشخص شد، عوامل نهادی دارای تاثیر معنی‌داری بر کارآفرینی روستایی است. جهت تاثیر عوامل نهادی بر کارآفرینی روستایی مثبت است و بیانگر این است که افزایش و ارتقاء عوامل نهادی با بهبود کارآفرینی روستایی همراه است. ضریب استاندارد یا شدت تاثیر مقدار قوی بود و برابر با 0.71 بود. در مجموع یافته‌ها نشان داد که بر اساس آزمون همبستگی پیرسون، تمامی هفت عامل نهادی دارای همبستگی معنی‌داری با کارآفرینی روستایی و مولفه‌های آن بودند و نتیجه آزمون مدل‌سازی معادلات ساختاری نیز نشان داد اثرگذاری کلیت عوامل نهادی بر کارآفرینی روستایی تایید شد.

۵) نتیجه‌گیری

این پژوهش به شناسایی متغیرهای نهادی موثر در کارآفرینی ناحیه روستایی نسا در شهرستان کرج پرداخته است. الگوی اصلی این پژوهش بر مبنای نظریه نهادی است. بر اساس نظریه نهادی، نهادها و فعالیت‌های کارآفرینانه رابطه دو طرفه دارند. زیربنای نظری این رابطه بر اساس دیدگاه‌های نورث (۱۹۹۰؛ ۱۹۹۴؛ ۱۹۹۷)، بامول (۱۹۹۰)، ویلیامسون (۲۰۰۰) است. در ادبیات مربوط به نظریه نهادی، فرض بر این است که محیط نهادی شرایطی را برای تصمیم‌گیری فردی ایجاد می‌کنند و بر این اساس چارچوب نهادی که در آن یک فعالیت انجام می‌شود، اغلب تعیین می‌کند که آیا این فعالیت مولد، غیرمولد یا مخرب است. بررسی‌های انجام یافته در خصوص متغیرهای نهادی موثر در توسعه کارآفرینی روستایی نشان می‌دهد که ساختار نهادی موجود از شرایط مساعدی برخوردار نبوده و نتوانسته بستر ساز کارآفرینی در محدوده مورد مطالعه شود.

بررسی‌های انجام یافته در خصوص وضعیت کارآفرینی در ناحیه روستایی نسا نشان می‌دهد که این موضوع در محدوده مورد مطالعه از شرایط مناسبی برخوردار نبوده و عملاً کسب کارهایی روستایی در جهت تامین حداقل معاش خانواده است به طوریکه این فعالیت‌ها امکان رقابت با صنایع تولیدی اطراف شهرها را نداشته و صرفاً با رویکرد اشتغال خانوادگی و با حداقل میزان سرمایه گذاری شکل گرفته است. همچنین مطالعات نشان می‌دهد که فعالیت کارآفرینی در ناحیه روستایی نسا فاقد فرایند نوآوری در عرصه کسب و کار روستایی از جمله ایجاد و انتشار محصولات جدید و معرفی روش‌های جدید تولید است.

بر این اساس و با بررسی مقایسه‌ای این ناحیه، به لحاظ ساختار تاریخی و شرایط اجتماعی و اقتصادی و نهادی با سایر نقاط کشور، نشان می‌دهد که فعالیت‌های کارآفرینانه، پاداش مناسبی برای تولید کنندگان و فعالان عرصه اقتصادی به همراه نداشته است که زمینه‌ساز نوآوری، تقسیم کار و ارزش افزوده مناسب برای ساکنان را فراهم آورد. زیرا عوامل ناقص حقوق مالکیت، باعث افزایش هزینه مبادله دارایی‌ها شده و مسلماً در این شرایط کارآفرینی از ارزش‌های اصلی و اساسی جامعه نخواهد بود. زیرا عوامل و عناصر نهادی باعث ایجاد عدم اطمینان در فرایند تولید و اشتغال می‌شود و مسلماً در این شرایط کارآفرینی مولد شکل نخواهد گرفت.

بررسی شرایط اقتصادی ایران در دوره‌های مختلف نشان می‌دهد که اقتصاد "معیشتی بخور و نمیر" شیوه اصلی زندگی اقتصادی تاریخی ما لاقلاً تا مقطع انقلاب مشروطه بوده است و حیات فعالیت اقتصادی ما به اقتصاد دلالی و در تجارت به "زد و بند" گرایش داشته است (رضاقلی، ۱۳۹۸). مطالعات چارلز عیسوی (۱۳۶۲) در خصوص اقتصاد ایران در اواسط قرن نوزدهم نشان می‌دهد که در ایران دلالی و واسطه‌گری در مقابل فعالیت‌های مولد و کارآفرین قرار می‌گیرد به طوری که این امر تیشه به ریشه فعالیت‌های مولد می‌زند (افراخته، ۱۳۹۸).

بررسی‌های انجام شده توسط گروه مهندسين مشاور هاروارد در فاصله سالهای ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۷ بیان می‌کند که محال است در ایران تولید مدرن ریشه‌دار شود. زیرا در ایران، سوداگری زمین، مسکن و سوداگری پول، سود زیادی در بر دارد و برنامه مبارزه با فساد مبتنی بر پیشگیری وجود ندارد (افراخته، ۱۳۹۸). در همین راستا عدم توجه به مساله امنیت یکی از مسائل مهم و اساسی و راهبردی در اقتصاد ایران است و نتوانسته است از حقوق مالکیت دفاع نماید. همین امر موجب شده است دارایی‌ها در معرض خطر قرار گرفته و سرمایه‌ها در جاهایی متمرکز شوند که امکان پنهان کردن آن و امکان جابجایی آن زیاد باشد. در نتیجه تولید در ایران اعم از تولید کشاورزی یا صنعتی بسط نیافت و به تبع آن ذخیره دانش، حداقلی‌تر آنچه ساخته و پرداخته می‌شد در حداقل معیشت و زندگی بوده است (رضاقلی، ۱۳۹۸).

نتایج مدل مفهومی پژوهش با استفاده از تکنیک مدل‌سازی معادلات ساختاری، تاثیر عوامل نهادی بر کارآفرینی روستایی تایید شد. ضریب استاندارد برابر با ۰/۷۱ بود و نشان از تاثیر قوی عوامل نهادی بر کارآفرینی روستایی داشت. بر این اساس مشخص شد، عوامل نهادی دارای تاثیر معنی‌داری بر کارآفرینی روستایی است. جهت تاثیر عوامل نهادی بر کارآفرینی روستایی مثبت است و بیانگر این است که افزایش و ارتقاء عوامل نهادی با بهبود کارآفرینی روستایی همراه است.

با مقایسه این پژوهش با مطالعات انجام شده نشان می‌دهد، متغیرهای نهادی نقش موثری در توسعه کارآفرینی روستایی دارند و از این نظر با مطالعات برخی از پژوهشگران از جمله قاسمی و همکاران (۱۳۹۹)، زندیه و همکاران (۱۳۹۹)، حیدری‌ساربان (۱۳۹۴) تا حدودی مشابهت دارد. نقش عوامل نهادی به خصوص نهادهای حاکمیتی در توسعه کارآفرینی روستایی و حمایت از حقوق مالکیت نیز با مطالعات انجام شده توسط (Avramenko and Silver, 2010)، (Fortunato, 2014) مطابقت دارد. شرایط اجتماعی-اقتصادی و نهادی با تاکید بر اهمیت حکمرانی و نقش حاکمیت قانون نیز با مطالعات انجام شده توسط (Korsgaard et al., 2015)، (Pezzini, 2001) مطابقت دارد.

۷ منابع

- افراخته، حسن. (۱۳۹۷)، **اقتصاد روستایی ایران**، تهران: انتشارات حبله‌رود.
- افراخته، حسن. (۱۳۹۸)، **نقش سازه‌های ذهنی در تحقق برنامه‌های توسعه ایران**، مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی، ۱۱(۳) (پیاپی ۴۳)، ۴۹-۷۴.
- پاداش، حمید، نیکو نسب‌تی، علی. (۱۳۸۷)، **نقش نهادها در توسعه کارآفرینی**، فصلنامه برنامه‌ریزی و بودجه، ۱۳ (۱)، ۱۲۹-۱۵۴.
- حیدری ساربان، وکیل، (۱۳۹۴)، **نقش سرمایه اجتماعی در تقویت کارآفرینی در مناطق روستایی**، مطالعه موردی: استان اردبیل، جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی، ۲۶(۲)، ۱۶۵-۱۷۸.
- رضا قلی، علی (۱۳۹۸)، **اگر نورث ایرانی بود. (شرحی بر تاریخ، اقتصاد، سیاست و فرهنگ ایران)**، انتشارات نهادگرا.
- زندیه، شهرنام، صرافی‌زاده قزوینی، اصغر، عالم تبریز، اکبر، سخدری، کمال. (۱۳۹۹)، **الگوی توسعه کارآفرینی روستایی مبتنی بر توانمندسازی شناختی و تبیین نقش محیط نهادی در آن: مطالعه موردی کسب و کارهای روستایی روستا و توسعه**، ۲۳(۲) (پیاپی ۹۰)، ۶۳-۸۷.
- قاسمی، اسماعیل، و مهاجرانی، علی‌اصغر، و حقیقتیان، منصور (۱۳۹۹)، **بررسی تاثیرات مولفه‌های اجتماعی و محیط نهادی بر توسعه کارآفرینی**، مطالعات محیطی هفت حصار (هفت حصار)، ۸(۳۱)، ۷۵-۸۳.
- نورث، داگلاس، سی (۱۳۷۷)، **نهادها، تغییرات نهادی و عملکرد اقتصادی**، ترجمه محمدرضا معینی، تهران: انتشارات سازمان برنامه و بودجه.
- نورث، داگلاس، سی (۱۳۹۸)، **فهم فرایند تحول اقتصادی**، ترجمه میرسعید مهاجرانی و زهرا فرضی زاده، تهران: نشر نهادگرا.
- Baskaran, S., & Mehta, K. (2016). **What is innovation anyway? Youth perspectives from resource-constrained environments**. *Technovation*, 52, 4-17. <http://doi:10.1016/j.technovation.2016.01.005>

- Deng, Q., Li, E., & Zhang, P. (2020). **Livelihood sustainability and dynamic mechanisms of rural households out of poverty: An empirical analysis of Hua County**, Henan Province, China. *Habitat International*, 99, 102160. <https://doi.org/10.1016/j.habitatint.2020.102160>.
- Dinis, A. (2006). **Rural entrepreneurship: an innovation and marketing perspective**. The New European Rurality: Strategies for Small Firms. 157-178
- Douglass C, North, (1992). "Institutions, Ideology, and Economic Performance," *Cato Journal*, *Cato Institute*, vol. 11(3), pages 477-496, Winter
- Fudemma, C., De Castro, F., & Brondizio, E. S. (2020). **Farmers and social innovations in rural development: collaborative arrangements in eastern Brazilian Amazon**. *Land Use Policy*, 99, 104999
- Joshi, L., Choudhary, D., Kumar, P., Venkateswaran, J., & Solanki, C. S. (2019). **Does involvement of local community ensure sustained energy access?** A critical review of a solar PV technology intervention in rural India. *World Development*, 122, 272-281. <http://doi:10.1016/j.worlddev.2019.05.028>
- Kalantaridis, C. and Bika, Z. (2006), "Local embeddedness and rural entrepreneurship: case-study evidence from Cumbria, England", *Environment and Planning A*, Vol. 38 No. 8, pp. 1561-1579.
- Kalantaridis, C. and Bika, Z. (2011), "Entrepreneurial origin and the configuration of innovation in rural areas: the case of Cumbria, North West England", *Environment and Planning A*, Vol. 43 No. 4, pp. 866-884.
- Keeble, D. and Tyler, P. (1995), "Enterprising behaviour and the urban-rural shift", *Urban Studies*, Vol. 32 No. 6, pp. 975-997.
- Korsgaard, S., Müller, S., & Tanvig, H. W. (2015). **Rural entrepreneurship or entrepreneurship in the rural-between place and space**. *International Journal of Entrepreneurial Behavior & Research*, 21(1), 5-26. <https://doi.org/10.1108/IJEER-11-2013-0205>
- Kumar, S., Giri, T. K., & Gogoi, B. J. (2020). **Determinants of rural livelihood interventions: an ISM-MICMAC approach**. *Journal of Indian Business Research*, 12(3), 343-362. <https://doi.org/10.1108/jibr-04-2019-0107>
- Lang, R., & Fink, M. (2019). **Rural social entrepreneurship: The role of social capital within and across institutional levels**. *Journal of Rural Studies*, 70, 155-168. <http://doi.org:10.1108/IJEER-11-2013-0205>
- Max S. Wortman, 1990. "Rural entrepreneurship research: An integration into the entrepreneurship field," *Agribusiness*, John Wiley & Sons, Ltd., vol. 6(4), pages 329-344 DOI: 10.1002/1520-6297(199007)6:4<329::AID-AGR2720060405>3.0.CO;2-N.
- McElwee, G. and Annibal, I. (2010), "Business support for farmers: an evaluation of the farm cornwall project", *Journal of Small Business and Enterprise Development*, Vol. 17 No. 3, pp. 475-49
- Meccheri, N. and Pelloni, G. (2006), "Rural entrepreneurs and institutional assistance: an empirical study from mountainous Italy", *Entrepreneurship and Regional Development*, Vol. 18 No. 5, pp. 371-392.
- Müller, Sabine & Korsgaard, Steffen. (2014). (Re)Sources of opportunities - The Role of Spatial Context for Entrepreneurship. *Academy of Management Proceedings*. 2014. 13468-13468. 10.5465/AMBPP.2014.13468abstract.
- Nambiar, Ek Sadanandan. (2019). **Re-imagining forestry and wood business: Pathways to rural development, poverty alleviation and climate change mitigation in the tropics**. *Forest Ecology and Management* 448: 160–73.
- Neumeier S., (2012). **Why do social innovations in rural development matter and should they be considered more seriously in rural development research?** – proposal for a stronger focus on social innovations in rural development research. *Sociologia Ruralis* 52(1): 48–69. <https://doi.org/10.1111/j.1467-9523.2011.00553.x>

- North, D.C. (1990). **Institutions, Institutional Change and Economic Performance**, Cambridge University Press, New York, NY. <http://doi.org/10.1017/CBO9780511808678>
- North, D.C. (1992). "Institutions, Ideology, and Economic Performance," *Cato Journal, Cato Journal, Cato Institute*, vol. 11(3), pages 477-496, Winter.
- North, D. C. (1992). **Transaction costs, institutions, and economic performance** (pp. 13-15). San Francisco, CA: ICS Press. <https://doi.org/10.1177/05694345920360010>
- North, D. C. (1994). **Economic Performance Through Time**. *The American Economic Review*, 84(3), 359–368. <http://www.jstor.org/stable/2118057>.
- North, D. C. (1997). **Understanding economic change**. *Transforming post-communist political economies*, 13-18
- Pallares-Barbera, M., Tulla, A.F. and Vera, A. (2004), "Spatial loyalty and territorial embeddedness in the multi-sector clustering of the Berguedà region in Catalonia (Spain)", *Geoforum*, Vol. 35 No. 5, pp. 635-649.
- Pallares-Barbera, M., Tulla, A.F. and Vera, A. (2004), "Spatial loyalty and territorial embeddedness in the multi-sector clustering of the Berguedà region in Catalonia (Spain)", *Geoforum*, Vol. 35 No. 5, pp. 635-649.
- Samadi, A.H. (2019), **Institutions and entrepreneurship: unidirectional or bidirectional causality?**. *J Glob Entrepr Res* 9, 3 <https://doi.org/10.1186/s40497-018-0129-z>
- Tabares, A., Chandra, Y., Alvarez, C., & Escobar-Sierra, M. (2021). **Opportunity-related behaviors in international entrepreneurship research: a multilevel analysis of antecedents, processes, and outcomes**. *International Entrepreneurship and Management Journal*, 17, 321-368